

دریچه

لرستان و کهگیلویه وبویر احمد در صدر آمار خودکشی

● ایلنا:معاون ساماندهی امور جوانان وزارت ورزش گفت: استان‌های لرستان و کهگیلویهوبویراحمد بیشترین آمار خودکشی را دارند که این آمارها بی‌ارتباط با بی‌کاری نیست.
محمد مهدی تندگویان با اشاره به آمار نگران‌کننده خودکشی در کشور و انواع جدید آن توضیح داد: در این زمینه همواره شاهد بروز مشکلاتی هستیم و در این راستا باید گفت مسائل نوپدید در حوزه جوانان رخ داده است.
به طور مثال مسئله مواد مخدر و اعتیاد در بین جوانان هر روز یک فرم جدیدی دارد و سن مصرف‌کنندگان در حال کاهش است. همچنین نوع مواد و قرص‌هایی که در مراسم‌ها و جشن‌ها پرکار می‌شود، هر روز متفاوت‌تر می‌شود.
تندگویان تصریح کرد: استان‌های لرستان و کهگیلویهوبویراحمد بیشترین آمار خودکشی را دارند و آمار خودکشی بی‌ارتباط با اشتغال و بی‌کاری نیست. او ادامه داد: حتی خودکشی‌های جدیدی داریم. زمانی بود که می‌گفتند خودکشی بر اثر فشارهای روحی و روانی با اقتصادی است و قطعا دلیل عمده آن هم همین است؛ اما در حوزه جوانان خودکشی‌هایی داریم که به صورت تفریحی هستند. جوانی را داریم که هیچ مشکلی اعم از اقتصادی یا دیگری خانواده‌گی نداشته و فقط به‌عنوان تفریح اقدام به خودکشی کرده و از خودش فیلم تهیه کرده است.تندگویان تصریح کرد: باید به این امر به صورت روان‌شناسی و روان‌کاوی پرداخته شود.
کمکی که ما می‌توانیم بکنیم، این است که با مشاوره پیشگیری‌ها را لحاظ کنیم. موضوع اصلی در این زمینه آموزش‌وپروش است. در حوزه آسیب‌های اجتماعی و مهارت‌های زندگی آموزش‌های خاصی داریم که باید در آموزش‌وپروش اتفاق بیفتد.
معاون ساماندهی امور جوانان وزارت ورزش و جوانان بر نقش آموزش‌وپروش در جلوگیری از رشد آسیب‌های اجتماعی تأکید کرد و گفت: یک جوان زیر نظر آموزش‌وپروش ممکن است نهائیتا یک فرد درس‌خوان باشد؛ اما مهارت‌های اجتماعی و فیزیکی را یاد نمی‌گیرد و وقتی آسیب‌ها برای او ایجاد شد، تازه تحویل ما داده می‌شود که از آن موقع به بعد جبرانش خیلی سخت است؛ زیرا جوان دیگر خشنونت‌ها را یاد گرفته و حتی برخی از آنها را تجربه کرده است.تندگویان با درخواست از اینکه اجازه بدهند، موارد لازم از نظر معاونت ساماندهی امور جوانان در کتب درسی درج شوند، گفت: از شورای‌عالی انقلاب فرهنگی درخواست کردیم که حتماً به این موضوع توجه کند و اجازه بدهد که بتوانیم در سرفصل‌های آموزشی وزارت آموزش‌وپروش حداقل پیشنهادهای خدومان را به‌همیم که در کتب چه چیزهایی باید تدوین شود تا دست‌کم جوانی که بدون ما داده می‌شود، چه چیزهایی را باید بداند.
شویه آموزش در آموزش‌وپروش باید تغییر پیدا کند و اولیامحور باشد.

تشکیل فوری کمیته‌ای برای واقعی شدن قیمت بلیت هواپیما

● شرق: علی‌اصغر مونسان، معاون رئیس‌جمهوری و رئیس سازمان میراث فرهنگی، از معاون اول رئیس‌جمهوری، تشکیل فوری کمیته‌ای برای کنترل نرخ سفر و بلیت هواپیما را درخواست کرد.
اجرای بسته جدید ارزی و خروج کالاها و خدمات وابسته به سفر از اولویت‌های پرداخت ارز دولتی که چشم قیمتی شدیدی را به‌بدنال داشت، رئیس سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری را بر آن داشت تا در نامه‌ای خطاب به اسحاق جهانگیری، معاون اول رئیس‌جمهوری، با شرح وضعیت موجود، پیشنهاد ضرب‌الاجلی را مطرح کند.
در متن نامه مونسان آمده است: «همان‌گونه که استحضار دارید، صنعت سفر و گردشگری متکی به محصولات و خدمات بخش‌های مختلفی است که خدمات اقامتی و حمل‌ونقل از اجزای اصلی تشکیل‌دهنده آن است و این در حالی است که هرگونه تغییر در قیمت خدمات این دو بخش می‌تواند بر اثرگذاری اقتصادی حاصل از گردشگری بر سایر بخش‌های زنجیره تأمین که به‌صورت مستقیم و غیرمستقیم به این صنعت مرتبط هستند، تأثیر بگذارد و با کاهش سفرهای داخلی و گردشگران خارجی به داخل کشور، به ایجاد رکود و کاهش اشتغال در زنجیره بسیار وسیعی از کسب‌وکارها منجر شود.
نظر به اینکه براساس تصمیمات دولت، نرخ ارز از این پس براساس نرخ سامانه «سنا» مربوط به بانک مرکزی محاسبه و براساس عرضه و تقاضای نرخ ارز طبق بازار ثانویه در لحظه اعلام و مبنای نرخ‌های بلیت هواپیما قرار می‌گیرد، این امر زمینه‌ساز افزایش قیمت بلیت پروازهای داخلی (بیش از ۶۰ درصد) و خارجی (بیش از صد درصد) شده و از طرفی آزادسازی نرخ بلیت بدون سقف و محدودیت بوده (شانور) و دفاتر خدمات مسافرتی بر حسب میزان تقاضا، قیمت‌ها را بیش از صد درصد نیز افزایش داده و بسته سفرهای داخلی و ورودی به کشور را بسیار گران کرده است.
با توجه به تأثیرگذاری شاخص قیمت بر تقاضای گردشگری ورودی و سهم درخور توجه بخش حمل‌ونقل در بسته سفر، افزایش هزینه‌های حمل‌ونقل بر روند گردشگری ورودی اثر منفی خواهد داشت و همچنین افزایش هزینه‌های حمل‌ونقل موجب افزایش هزینه‌های گردشگری داخلی می‌شود.»

شرق: مرکز پژوهش‌های مجلس وضعیت موجود و ابعاد مسئله ازدواج دختران در سنین پایین را ارزیابی کرد.
در سال‌های گذشته، بحث ازدواج کودکان در ایران به یکی از دغدغه‌های مهم کارشناسان اجتماعی بدل شده است. بر اساس آمارهای منتشرشده از سوی معاونت امور زنان و خانواده ریاست‌جمهوری در سال گذشته، بیش‌رسی ازدواج – نسبت مردان و زنانی که در کمتر از ۱۵سالگی ازدواج می‌کنند- در سال ۱۳۹۲ به ترتیب برای مردان ۰۴ درصد و برای زنان ۵۴ درصد است. این رقم با افزایش برای دختران در سال ۹۳ به ۵۶ درصد رسیده و در سال‌های ۹۴ و ۹۵ نیز به ترتیب رقمی معادل ۵۴ و ۵۵ را نشان می‌دهد. این رقم در ۹ماهه نخست سال ۰۵، ۹۵ درصد برای پسران و ۵۵ و درصد برای دختران بوده است.
تا کندهی به آمارهای سال ۱۳۹۶، ۷۸هزارو ۹۷۲ ازدواج ثبت‌شده، سهم دختران زیر ۱۵ سال هزارو ۴۸۱ مورد بوده که این آمار تنها مختص تهران است و آمار بیشتری از این نوع ازدواج‌ها در شهرستان‌ها و مناطق محروم به دست می‌آید. بنا بر گفته‌های مدیر رصد و آمار شورای فرهنگی و اجتماعی زنان و خانواده و با استناد به آمارهای موجود، تعداد دخترانی که در شهرستان‌های مختلف و در سن پایین ازدواج می‌کنند، بین دو تا سه نفر است و در کل کشور حدود ۴۳ هزار دختر زیر ۱۵ سال ازدواج کرده‌اند. همچنین بر اساس آمارها، ۲۴ هزار بپوه زیر ۱۸ سال در کشور وجود دارد که وضعیت نگران‌کننده‌ای را هشدار می‌دهد. این درحالی است که در ماده ۱۰۴۱ قانون مدنی، حداقل سن ازدواج در کشور ۱۳ سال است که ازدواج‌های پایین‌تر از این سن نیز با اذن پدر انجام شود.
امسال نیز ثبت‌احوال کردستان از ثبت ۹۷۰ مورد ازدواج دختران کمتر از ۱۸ سال در کردستان در چهار ماه نخست سال جاری خبر داد. کارشناس مسئول مرکز بهداشت استان مرکزی نیز با اشاره به ازدواج دختربچه‌ها در روستاهای استان گفت: شهرستان خداب در این زمینه نسبت به سایر شهرستان‌های استان شرایط ویژه‌ای دارد؛ به‌طوری‌که در این

شهرستان ۳۵ دختر زیر ۱۰ تا ۱۳ سال عقد شده‌اند. نماینده سیستان‌وبلوچستان در شورای عالی استان‌ها نیز با اشاره به شرایط تحصیلی کودکان شهرستان زابل و منطقه سیستان گفت: به علت تعصبات مذهبی، دختران در این منطقه از ۱۴ تا ۱۵سالگی به بعد شوهر داده می‌شوند و در برخی روستاها نیز شاهد ازدواج دختران ۹ساله هستیم.
از زمان آغاز به‌کار مجلس دوازدهم و با تصویب قانون منع خشنونت علیه کودکان، بحث ازدواج کودکان در مجلس نیز داغ شد و نمایندگان دراین‌باره اظهارنظر کردند. به گفته فاطمه ذوالقدر، طرح «کودک‌همسری» که بر اساس آن سن ازدواج دختران و پسران افزایش می‌یابد و ازدواج زیر ۱۳ سال نیز ممنوع می‌شود، بعد از تعطیلات یک‌هفته‌ای خانه ملت در دستور کار نمایندگان قرار می‌گیرد.
گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس چه می‌گوید؟
به گزارش روابطعمومی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، دفتر مطالعات فرهنگی این مرکز در گزارشی به بررسی ابعاد مسئله و وضعیت موجود ازدواج دختران در سنین پایین پرداخته است. این گزارش تصریح می‌کند که بر اساس آخرین پیمایش ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان که در سال ۱۳۹۴ منتشر شده است، ۴۷ درصد پاسخ‌گویان مناسب‌ترین سن برای ازدواج دختران را ۱۶ تا ۲۰ سال و ۳۹ درصد بین ۲۱ تا ۲۵ سال دانسته‌اند. در سال‌های اخیر نیز بالاترین فراوانی ازدواج دختران در کشور در گروه سنی ۱۵ تا ۱۹ سال (با ۱۹۶هزارو ۵۹۲ مورد) و گروه سنی ۲۰ تا ۲۴ سال (۲۰۴هزارو ۲۰۲ مورد) قرار دارد. همچنین در سال‌های ۱۳۹۵ تا ۹۴/۴ تا ۶۵/۵ درصد (حدود ۴۰ هزار) از کل ازدواج‌های ثبت‌شده در کشور، در گروه سنی ۱۰ تا ۱۴ساله قرار دارد. هرچند در این گروه سنی، در کنار این آمار باید وجود آمار غیررسمی را نیز در نظر گرفت، ازدواج‌های ثبت‌نشده‌ای که عموماً بین مهاجران و اتباع غیرایرانی روی می‌دهد.
این گزارش می‌افزاید: اگرچه درباره مصداق ازدواج در سنین پایین اختلاف‌نظر وجود دارد و

جامعه

ارزیابی مرکز پژوهش‌های مجلس درباره از دواج دختربچه‌ها در کشور:

ازدواج کودکان در استان‌های توسعه‌یافته بیشتر است

برخی حتی ازدواج‌های زیر ۲۴ سال را نیز ازدواج در سنین پایین در نظر گرفته‌اند، باین‌حال به‌طورکلی ازدواج زیر ۱۸ سال و به‌ویژه ۱۰ تا ۱۴ سال برای دختران به‌عنوان مصداق ازدواج در سنین پایین در نظر گرفته می‌شود.

گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس توضیح می‌دهد که ازدواج در گروه سنی ۱۰ تا ۱۴ سال برحسب سن زوجه، اگرچه در تمام استان‌های کشور مشاهده می‌شود، اما به‌صورت خاص در مناطق روستایی، عشایری و حاشیه شهرها متمرکز است. نسبت ازدواج‌های این گروه سنی به کل ازدواج‌ها نشان می‌دهد که نوع این استان‌ها از نظر توسعه‌یافتگی و محروم‌بودن به‌گونه‌ای است که نمی‌توان حکم واحد و یکسانی را درباره آنها صادر کرد؛ برای مثال استان‌های محرومی مانند کهگیلویهوبویراحمد و عشایری و حاشیه بسیار پایین و استان آذربایجان شرقی و خراسان رضوی که توسعه‌یافته‌تر هستند رتبه بالاتری در این موضوع به خود اختصاص داده‌اند. ازهمین‌رو به نظر می‌رسد نقش عامل فرهنگی در رتبه‌بندی استان‌های مختلف در این موضوع بسیار پررنگ است.
براساس این گزارش آمارهای ارائه‌شده در پنج سال اخیر از سوی سازمان ثبت احوال درباره فاصله سنی زوجین در ازدواج‌هایی که زوجه در گروه سنی ۱۰ تا ۱۴ سال قرار دارند، نشان می‌دهد بیشترین ازدواج‌های ثبت‌شده با فاصله سنی ۱۰ سال و کمتر بوده است؛ به‌عبارت دیگر بیشترین ازدواج‌های ثبت‌شده دختران گروه سنی ۱۴ سال و کمتر با پسران گروه سنی ۲۰ تا ۲۴ سال بوده است؛ بنابراین به نظر می‌رسد جامعه هم از لحاظ بازه سنی یعنی بالای ۱۰ سال و هم فاصله سنی ۱۰ سال و کمتر نوعی سازگار خودکنترلی در این موضوع را اعمال می‌کند.
گزارش حاضر می‌افزاید: باین‌حال در سال ۱۳۹۵ در فاصله‌های سنی ۲۰ تا ۲۴ سال بین زوج و زوجه هزارو ۴۸ مورد، ۲۵ تا ۲۹ سال ۱۳۸ مورد، ۳۰ تا ۳۴ سال ۶۳ مورد، ۳۵ تا ۳۹ سال ۲۹ مورد، ۴۰ تا ۴۴ سال و ۴۵ تا ۴۹ سال هرکدام هفت مورد، ۵۰ تا ۵۴ سال سه مورد و ۵۵ تا ۵۹ سال نیز سه مورد، ازدواج ثبت

شده است که وجود این فاصله‌های سنی غیرطبیعی و آسیب‌زا به نظر می‌رسد.
گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس با بررسی وضعیت دختران ازدواج‌کرده در بازه سنی ۱۰ تا ۱۴ سال، نتایجی را در زمینه موضوعاتی مانند طلاق، محرومیت از تحصیل، مرگ‌ومیر ناشی از بارداری، رضایت جنسی، خشنوت خانگی، عدم رعایت حقوق کودک، ناتوانی در اداره امور زندگی و مداخلات آسیب‌زننده خانواده‌ها و اجباری‌بودن و فقدان بلوغ فکری و اجتماعی، ارزیابی شده است.
این گزارش در ادامه تصریح می‌کند بررسی موضوع «ازدواج در سنین پایین» و «سن مناسب ازدواج» نشان می‌دهد برخلاف بزرگ‌نمایی انجام‌شده در این حوزه، وضعیت این موضوع آنگونه که گفته می‌شود بحرانی و حاد نیست و قوی‌دل مشکلات فعلی را ناشی از مسائل اقتصادی دانست و افزود: «کمبودهایی که درحال حاضر وجود دارد ربطی به تحریم‌ها ندارد، بلکه این مشکلات اقتصادی ناشی از عملکرد سازمان‌های بیمه‌گر است که نمی‌توانند مطالبات را پرداخت کنند و متأسفانه شرکت‌های پخش، دارو را در انبارهای خود به دلیل بدهی‌ها نگه داشته‌اند، به همین خاطر ما نامه سرگشاده به دادستانی نوشتیم، چون ما از وزارت بهداشت اطمینان گرفتیم که داروها و سهمیه‌ها را به مراکز ارسال کرده‌اند. در آن نامه از دادستان خواست‌ایم انبار داروهای پخش را بررسی کند که وزارت بهداشت به زمانی حواله‌ه‌ارویی را صادر کرده و چرا داروها توزیع نمی‌شوند؟»
قوی‌دل با بیان اینکه وقتی بیمار برای گرفتن دارو به داروخانه مراجعه می‌کند و متوجه نبود دارو می‌شود آن را به تحریم‌ها ربط می‌دهد، در صورتی که این تحریم داخلی محسوب می‌شود، اظهار کرد: «بزرگ‌ترین نگرانی بیماران خاص، به‌خصوص بیماران هموفیلی بحث تحریم‌هاست. آنها نگرانند که شاید مانند سال‌های آخر ریاست‌جمهوری آقای احمد‌نژاد دسترسی‌شان به دارو محدود شود؛ همان‌سالی که یک بیمار هموفیلی به دلیل نبود دارو جان خود را از دست داد. این‌بار اما در تحریم‌ها همه مانند گذشته تنها نیستیم، به این خاطر که همه کشورهای اروپایی با تحریم‌های اخیر آمریکا موافق نیستند.»

به گفته مدیرعامل کانون هموفیلی ایران، داروی بیماران هموفیلی مرتب توزیع نمی‌شود و معمولاً داروی این بیماران خاص هر ۲۰ روز یک ماه توزیع می‌شود. او در این خصوص می‌افزاید: «بیمارانی که کمبود فاکتور ۸ و ۹ دارند، دچار خون‌ریزی‌های شدید در مفاصل می‌شوند و زمانی که خون‌ریزی اتفاق می‌افتد، جدای از اینکه درد بسیار شدیدی دارد، اگر به‌موقع این خون‌ریزی بند نیاید، مایع بین مفاصل را از بین می‌برد و مفصل حرکتش محدود می‌شود و بیمار را دچار معلولیت می‌کند. این یک کار غیرانسانی است که ایرانی در حق ایرانی انجام می‌دهد. به دلیل آنکه با این کار فقط بیماران را مجازات می‌کنند.» او در ادامه با بیان اینکه داروی بیماران هموفیلی در کشور موجود است، اما به درستی توزیع نمی‌شود، مستندات آن موجود است و ما هم از آن مطلع هستیم، افزود: «بزرگ‌ترین مشکلی که باعث شده دسترسی بیماران در برخی از استان‌ها که تعدادشان به ۱۴، ۱۵ استان می‌رسد محدود شود، بدهی‌های سنگین به شرکت‌های پخش است. اینکه یارانه هتگفت بیماران خاص از طریق سازمان‌های بیمه‌گر به واردکننده و توزیع‌کننده پرداخت می‌شود ظاهری کاملاً اصولی دارد، اما سازمان‌های بیمه‌گر ما یا دولتی یا حاصل سازمان تأمین اجتماعی بیندازیم متوجه خواهیم شد این سازمان یک سازمان فقط بیمه‌گر نیست، بلکه فقط یک بنیاد اقتصادی است که از کشتی سانچت تا هواپیماهای روی آسمان را حمایت می‌کند، درحالی‌که دغدغه سازمان بیمه‌گر باید سلامت باشد و تمام پروژه‌های آن باید حول این محور باشد، به‌طوری‌که از حق بیمه‌ها درآمدزایی و برای بیماران هزینه‌کند و در همین راستا با تحقیقات و سیاست‌های پیشگیرانه از افزایش بیماری‌ری جلوگیری کند. این در حالی است که نهادهای مردم‌نهاد از تولد بیماران هموفیلی ابراز نگرانی می‌کنند و به دنبال جلوگیری از افزایش بیماران هستند و نه بیمه‌ها. بیمه‌ها این درک را ندارند که باید از تولد بیمار جلوگیری کنند. بیمه سلامت ایران‌این‌هم یک سازمان کاملاً دولتی است و سرش به چاه نفت وصل است. هرچه دولت پرداخت کند، او هم هزینه می‌کند، بدون اینکه برنامه‌ریزی خاصی در این زمینه انجام دهد.» قوی‌دل خاطرنشان کرد: «مدتی است چرخه تأمین دارو به مخاطره افتاده. وقتی پول داروخانه را به‌موقع پرداخت نکنید، داروخانه نمی‌تواند پول پخش را بپردازد، پول پخش را به‌موقع نپردازیم، آنها نمی‌توانند پول تولیدکننده و واردکننده را پرداخت کنند و در همه‌چیز مشکل ایجاد می‌شود و بیماران نیز دچار مشکل می‌شوند.»

درباره ساخت دریاچه مصنوعی دریافت نکرده بودیم، گفت: ستاد احیا از فروردین‌ماه پیگیر این موضوع بود و دفتر ستاد احیا در آذربایجان شرقی به ما اعلام کرده بود ساخت این دریاچه مصنوعی از دستور کار خارج شده است و قرار برای ساخت آن وجود ندارد. هیچ گزارشی هم از دفتر ستاد مبنی بر ساخت و آبگیری این دریاچه به دست ما نرسیده است.
مدیر دفتر برنامه‌ریزی و تلفیق ستاد احیای دریاچه ارومیه با اشاره به مسئولیت دانشگاه تبریز در پایشش امور مربوط به دریاچه ارومیه تصریح کرد: دانشگاه تبریز طبق قراردادی که با ستاد احیای دریاچه ارومیه دارد، مسئول پایش موضوع دریاچه ارومیه در منطقه است و به نوعی نماینده ستاد احیا در منطقه به حساب می‌آید. به گفته مسئولان دانشگاه تبریز، آنان متوجه آبگیری دریاچه مصنوعی آذربایجان شرقی نشده‌اند، درحالی‌که باید به این موضوع حساس می‌شدند. او در پاسخ به این موضوع که به گفته شهردار تبریز، ساخت دریاچه مصنوعی با موافقت ستاد احیای دریاچه ارومیه بوده، تصریح کرد: همه می‌دانیم که مسئول آب کشور، وزارت نیرو است و ستاد احیای دریاچه ارومیه طبق قانون به‌هیچ‌وجه امکان تخصیص آب را ندارد. به عبارت ساده‌تر ستاد احیا در جایگاهی نیست که بتواند تقسیم آب را انجام دهد، بلکه ستاد فقط مصوبات هیئت وزیران را در ارتباط با احیای دریاچه ارومیه پیگیری می‌کند.

این زندگی حق حبیب نیست

که می‌توانست زندگی‌اش را عوض کند. او ادامه می‌دهد: «تا اینکه زمزمه دوست‌نایم فکری را به سرم انداخت... شنیده بودم می‌شود با کلیه‌فروشی پول خوبی به دست آورد. با همسرم مشورت کردم و گفتم دیگر نمی‌توانیم با این شرایط به زندگی‌مان ادامه دهیم. به خاطر داشتن بدن سالم که لطف خدا باعثش بود، می‌دانستم می‌توانم از عهده این کار برآیم و همسر هم دید چاره دیگری برایمان نمانده... ما برنامه‌ریزی کردیم که با این پول یک مغازه راه بیندازیم تا زندگی‌مان شکل بگیرد و از مصیبت زاری پیدا کنیم. برای همین به انجمن بیماران کلیوی رفتم و شرایط خودم را برای فروش کلیه اعلام کردم. دو هفته بعد با من تماس گرفتند که یک متقاضی جدی برای کلیه‌ام پیدا شده و می‌توانم برای فروش اقدام کنم». حبیب می‌گوید تمام مدت به ساختن یک زندگی با فروش بخشی از بدنش فکر می‌کرده و ذوق دمیدن روح تازه بر کالبد زندگی‌اش خواب را از چشمش ربوده بود. اما زندگی برای او خواب دیگری دیده بود. حبیب می‌گوید: «روز قرار وقتی به مرکز حمایت از بیماران کلیوی رفتم، دیدم بیمار، دختر جوانی است با صورت و دست‌ان ورم‌کرده و چشمانی که از حال رفته و هرچه زودتر باید پیوند را انجام دهد. دختر گفت پدرش فوت کرده و مادر و سه خواهر کوچکش را نگه‌داری می‌کند و برادرش در تهران کارگر است و مبلغی را برای کمک خرج ماهانه به آنها می‌دهد. دختر که هفته‌ای سه روز دیالیز می‌کرد، اگر تا یک ماه بعد کلیه نمی‌گرفت، دیگر زنده نمی‌ماند. آنها تصمیم گرفته بودند پول نزل کنند تا بتوانند کلیه بخردن و زندگی دختر را نجات دهند... سرم درد گرفته بود و حال بدی داشتم. مدام می‌گفتم خدایا چه می‌خواستم و چه بر سر راهم گذاشتی... اصلا

حقابه دریاچه ارومیه در دریاچه مصنوعی



آذربایجان‌شرقی درباره دریاچه مصنوعی صحبت کرده و قرار شده است حتماً آب به سمت دریاچه ارومیه رها شود. مدیر دفتر برنامه‌ریزی و تلفیق ستاد احیا دریاچه ارومیه در پاسخ به پرسشی مبنی بر تأثیرگذاری دریاچه مصنوعی آذربایجان شرقی بر حقابه دریاچه ارومیه اظهار کرد: ازآنجاکه حقابه دریاچه ارومیه هنوز به‌طورکامل تأمین نشده است، قطعاً نمی‌توانیم سهم آب دریاچه را به سایر بخش‌ها اختصاص دهیم. از وزارت نیرو تعجب می‌کنم چون طبق مصوبه هیئت وزیران حقابه

به‌دنبال انتشار خبر ساخت یک دریاچه مصنوعی در آذربایجان‌شرقی و تعرض به حقابه دریاچه ارومیه، مدیر دفتر برنامه‌ریزی و تلفیق ستاد احیای دریاچه ارومیه، ساخت و آبگیری دریاچه مصنوعی را تخلص محرز از مصوبات هیئت وزیران برای احیای دریاچه ارومیه دانست و از اعزام بازرس از سازمان حفاظت محیط زیست به این استان خبر داد.

مسعود تجریشی در گفت‌وگو با ایسنا با اشاره به اینکه دریاچه مصنوعی آذربایجان‌شرقی ساخته و ۵۰۰ هزار مترمکعب آب از رودخانه آچی‌چای وارد این دریاچه شده است، تأکید کرد: ستاد احیای دریاچه ارومیه هیچ موافقتی با ساخت این دریاچه مصنوعی نکرده است و آبگیری آن با مصوبات هیئت وزیران برای احیای دریاچه ارومیه مغایرت دارد.

او ادامه داد: ستاد احیای دریاچه ارومیه و سازمان حفاظت محیط زیست به‌شدت پیگیر این موضوع هستند و حتی یک بازرس از سوی این سازمان برای جمع‌آوری اطلاعات و مشخص‌شدن جزئیات موضوع به منطقه فرستاده شده است؛ بنابراین هر فردی که از ساخت دریاچه مصنوعی و آبگیری آن خبر داشته و در اطلاع‌رسانی به ستاد قصور کرده، حتماً باید پاسخ‌گو باشد و با متخلفان این حوزه برخورد خواهد شد. عیسی کلاتری، رئیس سازمان حفاظت محیط زیست، نیز بر این کار تأکید کرده است. همچنین رئیس سازمان با استنادار